

تلاش من بر بود و نبود است. دیدن و ندیدن، درکاوش آن چه بیان ذهن و دیدگان است، و چه وجهی گویاتر از خود انسان! انسان نماد وجود است و شفافیت نماد دیده نشدن، سادگی و شکست های پیاپی در شیشه نمایشی از پیچیدگی و بعضا" سیالیت بیتارهان وجود وعدم....

انسان در شرایط مختلف و جایگاههای متفاوت خصوصیات دیگری از خود بروز می دهد که گاهی با برداشت از خود تضادی بنیادین دارد. این تضاد زمانی فریاد است و سراسر بیان و اعتراض و گاهی سکوت در ژرفای ناگفته ها و نادیده ها ......

جایگاه تمامی این رفتارهای گونه گون مغز و سر آدم است که شفافیت، مات بودن، آینه بودن و حتی بی رنگ بودن گفته های نا گفته را به وضوح می گوید.....

حس خیال انگیزی که در کالبد مجسمه ها دیده می شود ذهن کاوشگر انسان را به هر سویی که می خواهد می کشاند و تطاول افکار مبنای اولیه طراحی و ساخت چنین مجموعه ای شده است....

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید...

.

I attempt to be and not to be, to see and not to see, to explore the expressions of mind and sight, which culminate in the human being. Human being is a symbol of existence, and transparency a symbol of invisibility and simplicity. Consecutive refractions through the glass constitute a representation of complexity and fluidity of the atoms of being and nothingness.

Human being manifests different properties in different conditions which sometimes deeply contradict with his/her own self-understanding. This manifestation is sometimes a scream, a wholehearted expression of discontent, and sometimes a silence in the depth of the unsaid and the unseen.

The locus of all these different behaviors is the human brain and head which demonstrates clearly the transparency, opacity, reflexivity and lividity of these unsaid utterances.

The fantastic feeling which is seen in the statues' body carries the inquisitive human mind with it and the invasion of thought has become the primary basis for the design and construction of such a collection

Let's hope for the best…